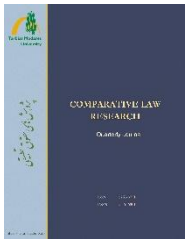

Comparative Law Research Quarterly, Vol. 30, No.2, Summer 2026, Pp. 1-36

The Concept and Legal Implications of Predatory Lending and Strategies to Combat It in Iranian and U.S. Law

ARTICLE INFO
DOI: 10.48311/clr.2026.101631.0

Article Type
Research Article

Author:
Mohammad Hosein Vakili Moghadam
ORCID: https://0000-0003-4105-3099

Affiliation:
Assistant Professor in Private Law, Faculty of Theology and Law, Hazrat-e- Masoumeh University, Qom, Iran

Correspondence:
Email: m.vakili@hmu.ac.ir

Article History:
Received: 2024/12/14
Received in Revised form: 2025/10/19
Accepted: 2026/01/14

Abstract

Predatory lending refers to lending practices in which the lender, by exploiting the borrower's lack of knowledge, financial distress, or economic vulnerability, imposes unfair, inequitable, or deceptive terms upon the borrower. This phenomenon, which is most commonly observed in the realm of consumer and mortgage loans, gives rise to a range of legal and social consequences, including violations of the principle of contractual fairness, disruption of public economic order, and the imposition of severe financial burdens on borrowers.

Using a descriptive-analytical methodology, this article first elucidates the concept and defining characteristics of predatory lending, and then examines its legal implications within the legal frameworks of Iran and the United States of America. The aim of this study is to lay the groundwork for strengthening legal protection for financial consumers and promoting contractual justice in monetary transactions; objectives that can be achieved through the recognition of the doctrine of good faith in contracts as a binding legal obligation.

Keywords: Good Faith, Abuse of Rights, Malicious Loan, Unfair Terms, Predatory Lending

Copyright © 2026, TMU Press. This open-access article is published under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License (https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0) which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format) and Adapt (remix, transform, and build upon the material) under the Attribution-NonCommercial terms.

فصلنامه پژوهش‌های حقوق تطبیقی
دوره ۳۰، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۵
صص ۱-۳۶
مقاله پژوهشی

Comparative Law Research Quarterly
Vol.30, No.2, Summer 2026
Pp 1-36
Original Article

مفهوم و آثار حقوقی وام غارت‌گرانه و راهکارهای مقابله با آن در حقوق ایران و آمریکا

محمدحسین وکیلی‌مقدم*

استادیار گروه حقوق، دانشکده الهیات و حقوق، دانشگاه حضرت معصومه (س)، قم، ایران

تاریخ ارسال :۱۴۰۳/۰۹/۲۴ **تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۷/۲۷** **تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۲۴**

چکیده

وام غارت‌گرانه به شیوه‌هایی از اعطای وام اطلاق می‌شود که در آن وام‌دهنده با سوءاستفاده از ناآگاهی، اضطرار یا ضعف اقتصادی وام‌گیرنده، شرایطی غیرمنصفانه، ناعادلانه یا فریب‌کارانه را به او تحمیل می‌کند. این پدیده که عمدتاً در حوزه وام‌های مصرفی و مسکن مشاهده می‌شود، آثار حقوقی و اجتماعی متعددی به دنبال دارد؛ از جمله نقض اصل انصاف قراردادی، اخلال در نظم عمومی اقتصادی و تحمیل زیان‌های سنگین به وام‌گیرندگان. در این مقاله با استفاده از شیوه تحلیلی – توصیفی، ابتدا مفهوم و ویژگی‌های وام غارت‌گرانه تبیین و سپس آثار حقوقی آن در چهارچوب نظام‌های حقوقی ایران و ایالات‌متحده آمریکا بررسی شده است. هدف این مقاله، فراهم‌سازی زمینه‌ای برای ارتقای حمایت حقوقی از مصرف‌کنندگان مالی و ارتقای عدالت قراردادی در معاملات پولی است؛ اهدافی که با رسمیت‌دادن به تئوری حسن‌نیّت در قراردادها به‌مثابه الزامی قانونی، تحقق می‌یابد.

واژگان کلیدی: حسن‌نیّت، سوءاستفاده از حق، وام با سوءنیّت، شروط غیرمنصفانه، وام غارت‌گرانه

* نویسندهٔ مسئول مقاله: **Email: m.vakili@hmu.ac.ir**

کپی‌رایت © ۲۰۲۶، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس (TMU Press). این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد منتشر شده و تحت مجوز بین‌المللی Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 قرار دارد. بر اساس این مجوز، شما می‌توانید این مطلب را در هر قالب و رسانه‌ای کپی، بازنشر و بازآفرینی کنید و یا آن را ویرایش و بازسازی نمایید، به شرط آنکه نام نویسنده را ذکر کرده و از آن برای مقاصد غیرتجاری استفاده کنید.

۱. مقدمه

چنان‌که از عنوان برمی‌آید، «وام غارت‌گرانه»[1] قرضی استثماری و گران‌قیمت است که همراه با شروط غیرمنصفانه به نفع وام‌دهنده[2]، زیان‌های مالی هنگفت به وام‌گیرندگان[3] تحمیل می‌نماید. در این وام[4] با استفاده از سازوکارهای متقلبانه و همراه با سوءنیّت، وام‌دهنده به هزینه وام‌گیرنده در بازه زمانی کوتاه به سودهای چشمگیر می‌رسد و آنچه از منظر ارزیابی حقوقی دارای اهمیت است، اینکه اعطای چنین وامی از ابتدا به این قصد شکل گرفته است؛ یعنی تنظیم مفاد عقد و درج شروط قراردادی در آن به‌گونه‌ای بوده که ناتوانی وام‌گیرنده در پرداخت و ایفای تعهدات مالی مرتبط با وام و در نتیجه تبعاتی مانند سلب مالکیت[5] او و یا پرداخت خسارت مالی هنگفت قابل‌پیش‌بینی بوده است. بررسی ساختار حقوقی وام غارت‌گرانه افزون بر جلوگیری از بروز زمینه‌های بی‌عدالتی مالی دارای اهمیت فراوان است؛ از نظرگاه تحلیل حقوق قراردادها، اگرچه چنین وامی می‌تواند مصداقی از قراردادهای مبتنی بر سوءاستفاده قلمداد شود، اما لزوم پای‌بندی به مفاد قرارداد و وفای به عهد به‌مثابه اصول بنیادین محقق‌کننده تحکیم عقود، اهمیت ارزیابی عناصر شکل‌گیری این وام را عیان می‌سازد تا حمایت از وام‌گیرندگان نیز ضابطه‌مند شود و به تزلزل در بنیان‌های قراردادی نینجامد. همچنین گسترش استفاده از چنین وام‌هایی با گردش مالی چشم‌گیر، آن‌ها را به مهم‌ترین مصداق عینی قراردادهای مبتنی بر سوءاستفاده و استثماری تبدیل کرده است. در نتیجه، مطالعه تطبیقی موضع نظام‌های حقوقی درباره آن عیان‌کننده کارآمدی و عیار نظریات و مبانی مرتبط است و به خوبی معلوم می‌نماید رویکردهایی مانند لزوم حمایت از طرف ضعیف و یا تعدیل قراردادی

---

1. Predatory Lending
2. Lender
3. Borrowers

٤. اگرچه در ایران وام به قرضی اطلاق می‌شود که از بانک یا مؤسسه‌ای مالی اخذ می‌شود، اما از نظر حقوقی اصطلاح وام، دلالتی مطلق دارد و شامل تمام مصادیق قرض است. در این نوشتار نیز وام به معنای اخیر و به شکل مطلق و هم‌معنا با قرض استفاده می‌شود.

5. Foreclosure

محمدحسین وکیلی‌مقدم ـــــــ

نقض تعهدات پیاپی از سوی وام‌گیرنده را موجب می‌شود که در کوتاه‌مدت پایانی برای آن متصور نیست (Ament, 2009: 372). در نتیجه، پذیرش این وام نه‌تنها به بهبود وضع مالی متقاضی وام همراه با هزینه‌های متعارف منجر نمی‌شود، بلکه موقعیت او را در وضعیتی بسیار زیان‌بارتر از قبل قرار می‌دهد. بر این اساس، تعاریفی مانند آنچه در گزارش مشترک برخی نهادهای فدرال آمریکا ذکر شده و به‌موجب آن اقدامات متقلبانه مانند کلاهبرداری و یا سازوکارهای فروش تهاجمی، عناصر سازنده چنین وام‌هایی قلمداد شده است که منجر به سوءاستفاده از وام‌گیرنده و یا آسیب‌پذیرتر کردن او در برابر سوءاستفاده می‌شود[۷]، تنها بخشی از مصادیق چنین وامی را موردتوجه قرار می‌دهد؛ زیرا نباید پنداشت وام غارت‌گرانه مستلزم به‌کارگیری رفتارهای مجرمانه است. همچنان که حکم به بی‌اعتباری وضعی آن ضرورتاً منوط به تخصیص عنوان مجرمانه برای آن نیست (Foodman, 2019: 260).

وام غارت‌گرانه وامی است با شرایط تعیینی از سوی وام‌دهنده که از ابتدا به قصد قراردادن وام‌گیرنده در موقعیتی شکل می‌گیرد که از بازپرداخت ناتوان شود. موقعیت مالی متقاضی این وام به‌نحوی است که به احتمال فراوان از ایفای تعهدات قراردادی بازمی‌ماند و وام‌دهنده با تخمین و اطلاع از چنین نتیجه‌ای، ساختار قراردادی را به‌گونه‌ای سامان‌دهی می‌نماید که وام‌گیرنده متعاقب عدم تسویه، به چرخه بی‌پایان تبعات و زیان‌های مالی دچار شود که توسط وام‌دهنده پیش‌بینی شده است (Goldstein & Brinegar, 2010: 176)؛ گویی وام‌دهنده نیز امیدی به اجرای مفاد قرارداد نداشته و با سوءاستفاده از نیاز متقاضی، دامی گسترده است تا با تحقق نتیجه محتوم، یعنی عدم بازپرداخت اقساط، به منفعت مالی سرشار دست یابد. بنابراین، وام غارت‌گرانه بر پایه سوءنیّت شکل می‌گیرد و شالوده آن شروطی آمیخته با فرصت‌طلبی متقلبانه وام‌دهنده است که بیش از تمرکز بر فرض تسویه، آثار و عواقب عدم اجرای قرارداد را مورد توجه قرارداده است که به موجب آن، تبعاتی سهمگین و به دور از عدالت قراردادی بر او تحمیل می‌شود.

---

7. U.S. Department of Housing and Urban Development and the U.S. Department of the Treasury, 2000, Hud-Treasury Task Force On Predatory Lending, Curbing Predatory Home Mortgage Lending, Available At: https://archives.hud.gov/reports/treasrpt.pdf, 11/7/2024.

مطالعات نشان می‌دهد تحولات مبتنی بر افزایش شکاف مالی بین قشرهای مختلف، زمینه‌ساز گسترش چنین وام‌هایی در سه‌دهه اخیر بوده است. تا پیش از این، بازار معاملات اعتباری، خالی از پیچیدگی و نفع‌طلبی به معنای امروزی بود. متقاضیان به شکل معمول با مراجعه به بانک‌ها و یا مؤسسات مالی بر مبنای ضوابط مشخص و با درنظرگرفتن مؤلفه‌هایی مانند سطح درآمد و میزان دارایی، نسبت به دریافت وام اقدام می‌کردند. این فرآیند دارای مرکزیت بود و تا پایان دوره بازپرداخت و تسویه، لایه‌هایی جدید بر رابطه بین طرفین وام افزوده نمی‌شد؛ اما به‌تدریج با دگرگونی ساختار، فعالان ارائه‌دهنده وام متنوع شده و هدف‌گذاری گروه فعالان جدید، ارائه خدمات به متقاضیان ناتوان از دریافت وام در بازار اصلی گردید. در نتیجه نوعی بازار فرعی[8] شکل گرفت که در ابتدا ارائه خدمات در آن مصداق دموکراتیک‌شدن عرضه خدمات مالی اعتباری[9] به اشخاص کم‌توان‌تر قلمداد می‌شد که در بازار فرعی فرصت بهره‌مندی از اعتبار را به دست می‌آوردند. بر همین اساس، در برخی از منابع از این وام‌ها با عنوان وام‌های غیررسمی[10] یاد می‌شود (Austin, 2004: 1242). گذشت زمان چالش‌های حقوقی این وام‌ها را عیان نمود؛ بالارفتن حجم نکول در پرداخت و تشدید تضمین‌های قراردادی موجب به‌کاربردن سازوکارهایی مبتنی بر استبداد اقتصادی گردید که به زیان خالص نامتعارف[11] وام‌گیرندگان انجامید. درعین‌حال، چنین وام‌هایی به بازارهای فرعی و تکمیلی محدود نماند و الگوهای آن از سوی فعالین و مؤسسات مالی جریان اصلی نیز مورد استفاده قرار گرفت (Mullen, 2014: 85; Foodman, 2019: 257).

بنابراین وام غارت‌گرانه در نهایت، کاهش‌دهنده رفاه است و کسب سود در آن از طریق ایجاد تله بدهی[12] برای وام‌گیرنده به معنای استفاده از سازوکارهایی است که وام را از میزان

8. Subprime Market
9. Democratization of Credit
10. Informal Credits
11. Disproportionate Net Harm
12. Debt Trap

بهینه[۱۳] خارج کرده و ریسک نکول را به‌شدت افزایش می‌دهد (Donald, 2007: 4; Stojkovic, 2017: 119). گفتنی است هر وام گران‌قیمت مادام که شرایط آن متناسب با وضعیت و میزان ریسک وام‌گیرنده باشد، مصداق وام غارت‌گرانه نیست؛ زیرا در این وام بازاریابی به‌صورت هدفمند و در راستای شناسایی افراد آسیب‌پذیرتر و اقلیت‌های اجتماعی و یا مالی صورت می‌گیرد که در بسیاری از موارد از تبعات پذیرش مفاد قرارداد آگاهی ندارند (Goldstein & Brinegar, 2010: 173; Sounders, 2018: 121).

۳. الگوهای تحقق وام غارت‌گرانه

در رایج‌ترین فرض، از بستر معاملات رهنی برای تحقق وام غارت‌گرانه استفاده می‌شود که بر اساس آن بدون توجه به توان بازپرداخت وام‌گیرنده و صرفاً با اتکا به اموال او با تحقق رهن به‌مثابه پشتوانه تضمین قرارداد، اعطای وام صورت می‌گیرد. در این الگو که وام دارایی‌محور[۱۴] نام دارد، وام‌دهنده با بهره‌مندی از عدم تقارن اطلاعاتی[۱۵] تصویری خلاف واقع از شرایط بازپرداخت و حتی میزان درآمد واقعی[۱۶] و ارزشمندی دارایی به وام‌گیرنده القا می‌نماید، به‌نحوی‌که در نهایت او چنین وامی را همراه با ترهین می‌پذیرد و از این طریق پرریسک‌ترین تصمیم خود را اتخاذ می‌نماید (Entin & Yazback, 2007: 759). استفاده از قالب معاملات رهنی یکی از مصادیق چنین وام‌هایی است؛ زیرا بدون توافق در شکل‌گیری رهن و نظر به اینکه اموال شخص وثیقه عام دیون او است، با نکول مدیون، امکان توقیف اموال او و اقدام برای مطالبه دین وجود دارد. با این حال، استفاده از رهن در کنار سایر مؤلفه‌های استثماری می‌تواند اماره‌ای در شناسایی تحقق وام غارت‌گرانه قلمداد شود (Drury, 2009: 139; Bond, 2008: 7).

---

۱۳. میزان وام بهینه (Optimal Loan Amount) مقدار وامی است که شخص توان پرداخت آن را دارد و متناسب با توان مالی شخص است (Kharas & Hisanobu , 1985: 9).

14. Asset-Based Lending
15. Asymmetry of Information
16. Predation by Income Deception

محمدحسین وکیلی‌مقدم ـــــــ

استفاده دلال‌ها و یا انتقال وام به واسطه‌های بعدی، بهانه‌ای برای افزایش کارمزد و گران‌تر کردن وام است (Saunders, 2018: 113)، و از سوی دیگر با اجرای تئوری «دارنده قانونی»[۲۱] امکان طرح دعوا و ایرادات علیه خریدارهای بعدی در بازار ثانویه وجود ندارد، مگر اینکه میان وام‌دهنده اصلی و نفرات بعد تبانی و یا ارتباط نزدیک[۲۲] وجود داشته باشد که در این صورت با احراز سوءنیّت، ایرادات حقوقی قابل‌طرح است (Goldstein & Brinegar, 2010: 172)؛[۲۳] بنابراین، در این الگو اگرچه منافع مالی در حقیقت به وام‌دهنده اصلی می‌رسد، اما سازوکار استفاده‌شده به‌گونه‌ای است که در ظاهر میان او و نفرات بعدی ارتباطی وجود ندارد و امکان طرح ایرادات در مقابل آن‌ها نیز به‌سادگی امکان‌پذیر نیست.

ملاحظه می‌شود که در هر دو الگو، بازاریابی هدفمند متقلبانه (تلاش برای شناسایی اشخاص با درآمد کم و دارایی قابل‌توجه مانند سالمندان و یا اشخاص کم‌اطلاع از شرایط بازار و آسیب‌پذیر در برابر رفتارهای تهاجمی)، شروط قراردادی مبتنی بر سوءاستفاده (در راستای تحمیل شرایط ناعادلانه و تحمیل بالاترین میزان سود مالی ممکن برای وام‌دهنده) و رفتارهای متقلبانه (مبتنی بر مدیریت قرارداد در راستای استثمار مالی وام‌گیرنده مانند ارائه اطلاعات نادرست، عدم شفافیت و اقداماتی مانند ارائه نرخ سود و شرایط قراردادی به‌ظاهر منطقی و تبدیل آن‌ها به مبالغ هنگفت در مقیاس زمان)، از موجبات شکل‌گیری وام غارت‌گرانه است (Agarwal, 2013: 10; Carr & Kolluri, 2010: 4).

---

21. Holder in due course

22. Close Conntectedness

23. “(a) Subject to subsection (c) and Section 3-106(d), "holder in due course" means the holder of an instrument if: (1) the instrument when issued or negotiated to the holder does not bear such apparent evidence of forgery or alteration or is not otherwise so irregular or incomplete as to call into question its authenticity; and

(2) the holder took the instrument (i) for value, (ii) in good faith, (iii) without notice that the instrument is overdue or has been dishonored or that there is an uncured default with respect to payment of another instrument issued as part of the same series, (iv) without notice that the instrument contains an unauthorized signature or has been altered, (v) without notice of any claim to the instrument described in Section 3-306, and (vi) without notice that any party has a defense or claim in recoupment described in Section 3-305(a)…”, Uniform commercial Code (UCC), S. 3.302.

محمدحسین وکیلی‌مقدم ـــــــ

است. استفاده از این سازوکار و درج شرایط زیان‌بار مالی به بهانه به‌کاربردن آن می‌تواند از مصادیق تحقق سوءاستفاده در قرارداد اعطای وام قلمداد شود، به‌ویژه در مواردی که پذیرش آن الزامی است و بدون آن وام پرداخت نمی‌شود (Goldstein & Brinegar, 2010: 174).

۴- **استقراض بدون توجه به توان بازپرداخت**: تحلیل فروض متعدد وام‌های غارت‌گرانه نشان می‌دهد مؤلفه مشترک در آن‌ها اعطای وام برپایه دارایی فرد است. بر این اساس، اعطای وام به اشخاصی که به وضوح از سطح درآمد کافی برای پرداخت اقساط برخوردار نیستند، صرفاً با اتکا دارایی آن‌ها به‌مثابه وثیقه عام، معنایی جز زمینه‌سازی برای سلب مالکیت آن‌ها نسبت به اموال نخواهد داشت. در چنین وام‌هایی ناتوانی شخص از ایفای تعهدات مالی از پیش معلوم است و وام‌دهنده نیز با اطلاع از این واقعیت در راستای دستیابی به اموال او، اقدام به اعطای وام می‌نماید.

۵- **تداوم وام**: در این روش[۲۹] هدف‌گذاری وام‌دهنده، کسب سود از معوّقات وام است. بر این اساس، سازوکاری استفاده می‌شود که شخص از پرداخت ناتوان شود، سپس به تأمین مالی مجدد که در واقع دریافت مجدد وام با شرایطی جدید است ترغیب شود و یا عملاً چاره‌ای غیر از آن نداشته باشد. در این شیوه فواصل زمانی مشخص برای بازپرداخت تعیین می‌شود و در صورت هر نوع تأخیر، مبلغی به‌عنوان جریمه به مبلغ اصلی دین اضافه می‌شود. در نتیجه، در عمل وام‌گیرنده راهی برای خلاصی خود نمی‌بیند و برای حفظ اموال و جلوگیری از سلب مالکیت خود، پیشنهاد تأمین مالی مجدد را می‌پذیرد که معمولاً تسهیلاتی با بازپرداخت ماهیانه کمتر و بهره بالاتر است (Engel & McCoy, 2002: 1263).

۶- **تعهدات اضافی**: در این مصداق[۳۰] وام‌دهنده وام اصلی را منوط به پذیرش تعهداتی اضافی از سوی وام‌گیرنده می‌نماید که از نظر موضوع بی‌ارتباط است و درعین‌حال، بر میزان

29. Loan Flipping
30. Packing

محمدحسین وکیلی‌مقدم ـــــــ

۸- جریمه پرداخت پیش از موعد: بخش مهمی از درآمد وام‌دهندگان برمبنای سود وام‌ها است که به شکل معمول بر اساس زمان بازپرداخت وام تعیین می‌شود. پرداخت اقساط و تسویه آن پیش از موعد مقرر، وام‌دهنده را از چنین سودی محروم می‌نماید؛ بنابراین ممکن است چنین مقرر شود که وام‌گیرنده تنها در صورتی می‌تواند پیش از موعد اقدام به تسویه کامل و یا پرداخت بخش عمده بدهی خود به‌صورت یکجا نماید که مبلغی به‌مثابه جریمه[۳۴] پرداخت نماید. در واقع این روش، غرامتی برای از دست‌رفتن سود[۳۵] وام‌دهنده است، درحالی‌که برخلاف ضوابط کلی وام‌گیرنده مرتکب پیمان‌شکنی و یا تقصیر نشده است. مرسوم‌ترین شیوه تعیین میزان این جریمه، تمام یا درصدی از مقدار وام باقی‌مانده و یا محاسبه برمبنای سود ماهیانه است (Hull, 2009: 300; Fisher, 2008: 590). اگرچه به‌کاربردن این شیوه می‌تواند عاملی در کاهش میزان سود باشد، اما در نهایت وام‌گیرنده را از بازپرداخت زودهنگام منصرف می‌نماید و در کنار سایر ابزارهای افزایش میزان تعهدات مالی او، زمینه‌ساز سوءاستفاده وام‌دهنده را فراهم می‌نماید. به همین علت در قوانین متعدد ایالتی در آمریکا، محدودیت‌های مختلفی پیرامون چنین غرامتی تعیین شده است[۳۶] و «دفتر حمایت مالی از مصرف‌کننده»[۳۷] در آمریکا نیز با امکان ثبت شکایات برخط، رسیدگی به دادخواهی در این موضوع را برعهده دارد.[۳۸] همچنین در سطح فدرال نیز چنین شرطی می‌تواند نقض تعهد به حسن‌نیّت و رفتار متعارف و معقول وام‌دهنده مندرج در مواد ۱۴۱۱ و ۱۴۱۲ قانون «داد- فرانک»[۳۹] و الزامات مندرج در قانون «حقیقت در وام‌دادن»[۴۰] مبنی بر لزوم ارائه اطلاعات حقیقی

34. Prepayment Penalty

35. Compensation for Lost Interest

۳۶ . ایالت‌های آلاباما، آلاسکا و ایلی‌نویز در وام‌های با سود بیش از ۸ درصد، در ایالت‌های ایووا، نیوجرسی، نیومکزیکو و کارولینای شمالی و جنوبی در وام‌هایی با سود کمتر از صدهزار دلار و در تگزاس و ورمونت بدون محدودیت چنین جریمه‌ای بی اعتبار است. برای دیدن فهرست جامع قوانین و مقررات مرتبط ایالات مختلف در این زمینه بنگرید به:

https://www.cga.ct.gov/PS96/rpt/olr/htm/96-R-1211.htm, 11/13/2024.

37. Consumer Financial Protection Bureau

38. https://www.consumerfinance.gov/complaint/

39. Dodd-Frank Wall Street Reform and Consumer Protection Act (Dodd-Frank Act)

40. Truth in Lending

محمدحسین وکیلی‌مقدم ـــــــ

چگونگی حمایت از آن‌ها در چنین معاملاتی و تدبیر حقوقی متناسب چالش‌برانگیز است. بازاریابی تهاجمی و اقدامات مبتنی بر آن الزاماً غیرقانونی قلمداد نمی‌شوند، مگر اینکه طبق ضوابط حمایت از مصرف‌کننده مصداق تقلب یا فریب محسوب شوند. بر این اساس، مستند به بخش ۵ از «قانون کمیسیون تجارت فدرال»[47] در آمریکا، تکنیک‌های تهاجمی گمراه‌کننده به‌ویژه در فرض تحت فشار قرارداد مشتری مبتنی بر اطلاعات غلط، مصداق اقدامات ناعادلانه و گمراه‌کننده خلاف قانون است. همچنین بر اساس «قانون حمایت از مصرف‌کننده تلفنی»[48]، عدم توجه به درخواست عدم پیگیری مشتری در بازاریابی و تماس‌های مکرر، خلاف قانون قلمداد شده است. به موجب ماده ۱۶۶۷ «قانون لیزینگ مصرف‌کننده»[49]، هر نوع عدم افشا و پنهان‌کاری مبتنی بر عدم شفافیت به زیان مصرف‌کننده، خلاف قانون است. در مواد ۱۶۳۱ تا ۱۶۴۶ «قانون حقیقت در وام دادن» نیز رویکردی مشابه اتخاذ شده است. گفتنی است به علت اهمیت بانک‌داری در اعطای وام بخش عمده‌ای از ضوابط مزبور در راستای تحدید فعالیت بانک‌ها است، اما از نظر حقوقی به آن محدود نیست و هر نوع اعطای وام را دربرمی‌گیرد (Ahmed, 2020: 15).

۱۰- **الزام وام‌گیرنده به اسقاط حق طرح دعوا**: از دیگر روش‌های رایج در تحقق وام غارت‌گرانه، ملزم‌نمودن وام‌گیرنده به اسقاط حق پیگیری قضایی اختلافات احتمالی است. با این روش، او می‌پذیرد در موضوعاتی که رفتاری خلاف قانون رخ داده است نیز امکان طرح دعوا و مطالبه خسارات را نخواهد داشت. حتی در برخی موارد مفاد این شرط مراجعه به وکیل و مشاور حقوقی و داور را نیز شامل می‌شود (Drury, 2009: 140). اگرچه الزام به پذیرش چنین شرطی می‌تواند مصداق سوءاستفاده و بی‌اعتبار قلمداد شود، اما در بسیاری از موارد اشخاص با گمان به صحّت آن، به‌ویژه در صورت ابهام و عدم صراحت موضع قانونی، در عمل به آن پای‌بند می‌مانند و با وجود آن، پیگیری قضایی موضوع حداقل با تأخیر مواجه

47. Federal Trade Commission Act, https://www.govinfo.gov/content/pkg/COMPS-388/pdf/COMPS-388.pdf, 11/14/2024

48. Telephone Consumer Protection Act, https://www.fcc.gov/sites/default/files/tcpa-rules.pdf, 11/14/2024

49. Consumer Leasing Act, https://B2n.ir/x40992, 11/14/2024

محمدحسین وکیلی‌مقدم ـــــــ

آن، از کارآمدی مطلوب برخوردار نیست. از سوی دیگر، نظم ساختاری موجود در بازار با به‌کارگیری سازوکارهای حقوقی غیرمتوازن مخدوش می‌شود، درحالی‌که می‌توان با شناسایی زمینه‌های برهم‌خوردن این تعادل، بدون نیاز به استفاده از حقوق و توسعه بی‌وجه آن، از بروز رفتارهای نامطلوب نیز جلوگیری نمود. به‌عنوان مثال، بیان شده است تلاش برای افزایش رقابت و تنوع ارائه‌دهندگان خدمات تأمین اعتبار به ازبین‌رفتن و یا کاستن از عدم تقارن اطلاعاتی خواهد انجامید و از این طریق بستر شکل‌گیری وام‌های غارت‌گرانه نیز ناهموار خواهد شد (Stark, 2005: 138). افزون بر این، اطمینانی وجود ندارد با استفاده از سازوکارهای حقوقی، مزیّتی قطعی برای متقاضیان وام ایجاد شود و موقعیت آن‌ها در بازار بهبود یابد؛ بنابراین راهکارهای حقوقی اولین، مطلوب‌ترین و یا تنها راه‌حل در مواجهه با این چالش قلمداد نمی‌شوند (Combs, 2006: 628).

در مقابل، بیان شده مطالعات آماری نشان‌گر رو به تزاید بودن تعداد چنین معاملاتی است که به تحقق منازعات حقوقی کم‌وبیش متعدد و مهم منجر شده است. نادیده‌گرفتن این واقعیت، واگذارکردن حل آن به سازوکارهای موجود در بازار و اتکا صرف به تئوری‌های مبتنی بر نفع‌طلبی انسان، چشم‌پوشی از اختلالی است که یکی از کارکردهای مهم حقوق، تلاش برای رفع آن است. به دیگر سخن، تحقق وام غارت‌گرانه از مصادیق «شکست بازار»[۵۶] است که در آن سازوکارهای بازار آزاد به ورطه ناکارآمدی دچار شده‌اند و تعادل و توازن قوای معامله‌گران در آن برهم‌خورده است. بنابراین، با اذعان به لزوم توجه به زمینه‌های شکل‌گیری سوءاستفاده در قراردادها، مداخله حقوق نیز ضروری و اجتناب‌ناپذیر است (Mehkeri, 2014: 50; Lewis, 2003: 493).

رویکردهای مداخله‌گر نیز متنوع و دارای انواع گوناگون است؛ در یک نگرش، وام غارت‌گرانه فاقد ویژگی خاص است و می‌توان بر مبنای نظریات و ابزارهای حقوقی مبتنی بر حمایت از مصرف‌کننده و یا منع سوءاستفاده، به شکلی متناسب روابط طرفین در آن را تدبیر نمود. در کنار اجرای تکالیف مصرّح قانونی مبنی بر لزوم مراعات حسن‌نیّت در تمام مراحل

56. Market Failure

محمدحسین وکیلی‌مقدم ـــــــ

کلی بودن و گاه ابهام آن‌ها را مانع از تحقق مواجهه مؤثر قلمداد می‌نماید. به‌عنوان مثال، طبق این دیدگاه تئوری غیرمنصفانه بودن در رویه قضایی به سمت ماهیتی کمّی سوق داده شده است؛ در نتیجه در احراز و مقابله با مصادیقی از وام‌های غارت‌گرانه شامل وجود قیمت‌های ناعادلانه یا سودهای گزاف کارآمد است، اما پیرامون شروط و یا اوضاع‌واحوال کیفی با چالش مواجه خواهد بود. همچنین الزام وام‌دهنده به افشای تمام تبعات مالی و عواقب عدم پای‌بندی به قرارداد، در عمل به مصادیقی چون میزان سود حقیقی وام‌دهنده محدود شده است؛ گو اینکه به علت پیچیدگی روابط مالی این امکان وجود دارد که علی‌رغم ارائه اطلاعات به وام‌گیرنده، توان تحلیل و ارزیابی موقعیت از جانب او وجود نداشته باشد (Fisher, 2008: 592).

بنابراین، نمی‌توان انتظار داشت چنین قواعدی به شکل کامل وضعیت حقوقی وام‌های تهاجمی را سامان داده و اهداف قانون‌گذار را محقق نمایند. در چنین دیدگاهی وجود ضوابط قانونی ضد وام غارت‌گرانه[۶۱] ضروری بوده و تنها در این صورت است که اقدامات حقوقی در قالب پیگیری قضایی وام‌گیرنده اثرگذار و قاطع خواهد بود (Lewis, 2003: 494). کامل‌ترین مصداق پذیرش این رویکرد در حقوق آمریکا قابل‌ملاحظه است که در آن قوانین و مقررات متعددی به شکل خاص درباره وام‌های تهاجمی وضع شده است.[۶۲] همچنین نهادها و مراجع حقوقی و قضایی مختلف نیز، هریک با شرح وظایف مشخص به جنبه‌ای خاص از چنین وام‌هایی رسیدگی می‌کنند و ضوابط مرتبط با آن را تعیین کرده‌اند.[۶۳] مجمع این اقدامات در

---

61. Anti Predatory Loans laws

۶۲. مهم‌ترین مصادیق در سطح فدرال قوانین و مقررات زیر است:

Truth in Lending Act (TILA) (1968), Home Ownership and Equity Protection Act (HOEPA) (1994), Real Estate Settlement Procedures Act (RESPA) (1974), Dodd-Frank Wall Street Reform and Consumer Protection Act (2010), Fair Debt Collection Practices Act (FDCPA), (1977), Equal Credit Opportunity Act (ECOA) (1974), Community Reinvestment Act (CRA) (1977), Servicemembers Civil Relief Act (SCRA) (2003).

۶۳. مهم‌ترین نهادهای مرتبط عبارت‌اند از:

Consumer Financial Protection Bureau (CFPB), Office of the Comptroller of the Currency (OCC), Federal Reserve Board (FRB), Federal Deposit Insurance Corporation (FDIC), Federal Trade Commission (FTC), U.S. Department of Housing and Urban Development (HUD),

محمدحسین وکیلی‌مقدم ـــــــ

یقین مبتنی بر اعتقاد نادرست است که بر اساس آن شخص به تصور و پندار قانونی‌بودن، تصرفاتی انجام می‌دهد (عبدالله احمد، ۲۰۲۱: ٤٢٣). در این کاربرد، حسن‌نیّت معنای عدم اطلاع از واقع را افاده می‌نماید که طبق آن شخص بر صحّت عمل خود معتقد است، درحالی‌که از نظر حقوقی و منطبق با معیارهای مندرج در قانون عمل او بی‌اعتبار و با اتکا بر معیارهای ثبوتی، موجب حق نیست (خزائی و الهمرادی، ١٤٠٢: ٦٠)؛ مانند اینکه شخص با اعتقاد به وجود یکی از اسباب مملّکه در مال دیگری تصرف نماید، درحالی‌که به عللی مانند بروز اشتباه در تشخیص مالک یا بقای سبب ناقل، چنین اعتقادی خلاف واقع باشد (جعفری‌لنگرودی، ١٣٨٦: ٢٨٥). این معنای حسن‌نیّت با وجود برخی مصادیق قابل تطبیق در قوانین در فقه امامیه و به تبع حقوق ایران به شکل مشخص و در قالب یک تئوری مورد پذیرش قرار نگرفته است[٦٧] (جعفری‌لنگرودی، ۱۳۸۸: ۲۸۸؛ هم او، ۱۳۸۲: ٢٦٦). اعتباربخشی حقوقی به این معنا از حسن‌نیّت، زمینه‌ساز حمایت از شخص و یا حکم به عدم مسئولیت او است. درحالی‌که حسن‌نیّت به‌مثابه مبنای ممنوعیت وام غارت‌گرانه، الزام و تکلیفی قانونی برای اشخاص ایجاد می‌نماید که در صورت نقض، از منظر تکلیفی و وضعی دارای اثر حقوقی است؛ بنابراین، معنای دوم حسن‌نیّت الزام به پیراستن عمل از تقلب و فریب و وجوب مراعات جوانب حسن‌رفتار است. حسن‌نیّت در این معنا برمبانی اخلاقی استوار است و براساس آن فراتر از معیار شخصی، فرد باید به میزان انتظار و توقع متعارف، از پنهان‌کاری، دروغ، فریب و هرآنچه تصور خلاف واقع در ذهن و ضمیر طرف مقابل ایجاد می‌کند، خودداری نماید؛ در غیر این صورت، افزون بر مسئولیت اخلاقی، مسئول جبران کلیه خساراتی است که به‌علت نقض این التزام به دیگران وارد آمده است (Bagheri & Akbarineh, 2024: 247). این وجه از حسن‌نیّت آن را به یک اصل و قاعده الزام‌آور تبدیل می‌کند که در تمام مراحل شکل‌گیری و اجرای اعمال حقوقی، نقش‌آفرینی می‌نماید. پذیرش این معنا در فقه اسلامی محل تردید و مباحث فراوان بوده است؛ زیرا از یک‌سو، در مبانی اخلاق اسلامی توجه به حسن

---

٦٧. ضوابط مرتبط به وطی به شبهه (ماده ۱۰۵۰ ق.م)، بقای خیار فسخ نکاح در فرض جهل به فوریت (ماده ۱۱۳۱ ق.م) وکالت ظاهری (ماده ٦٨٠ ق.م)، تصرفات در حکم غصب (ماده ۳۲۵ ق.م) و قابل استناد نبودن محدودیت اختیارات مدیران شرکت نسبت به اشخاص ثالث (ماده ۱۱۸ قانون اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ١٣٤٧) برمبنای حسن‌نیّت به این معنی توجیه‌پذیر است.

محمدحسین وکیلی‌مقدم ـــــــ

همین علت، در حقوق اسلام به‌جای توجه به حسن‌نیّت، بر مفهوم «ضرر» و منع از بروز آن تأکید شده است (بهرامی، ۱۳۷۰: ۲۲۸). همچنین بیان شده است حتی با الغای خصوصیت از مصادیق نهی از سوءنیّت، از آنجا که «نهی از شی اقتضای الزام و امر به ضد آن را ندارد»، نمی‌توان از منع سوءنیّت به الزامی‌بودن حسن‌نیّت نظر دارد (جعفری و حیدری، ۱۳۹۶: ۳۴۱؛ بافهم و دیگران، ۱۴۰۲: ۹). افزون بر این، استناد به مصادیق نهی، مانند حدیث «غَبْنُ اَلْمُسْتَرْسِلِ سُحْتٌ» یا «غَبْنُ اَلْمُؤْمِنِ حَرَامٌ» که از سوی برخی صورت گرفته است (علیزاده، ۱۳۸۴: ۱۱۲)، دلالتی بر اثر فریب و اقداماتی که فریب‌خورده می‌تواند انجام دهد و یا اثر وضعی آن در اعتبار اعمال حقوقی حاصل از تقلب و فریب ندارد و صرفاً بیان‌گر حرمت فریب دیگران است. بنابراین، نهی به امری خارج از ماهیت معامله تعلق گرفته است و به بی‌اعتباری و یا عدم نفوذ آن منجر نخواهد شد (حاجی‌پور، ۱۳۹۲: ۴۸).

برخی بر این نظراند که در حقوق اسلامی نیازی به پذیرش قاعده حسن‌نیّت نیست؛ زیرا نتایج آن از طریق نهادهای دیگر تحقق یافته است. به‌عنوان مثال، قاعده لاضرر و یا ضرورت انجام تجارت مبتنی بر تراضی (آیه ۲۹ سوره نساء) زمینه‌ساز حمایت متناسب از طرفین قرارداد در مقابل سوءنیّت است و ضمانت‌اجرای آن نیز شامل امکان فسخ و یا بی‌اعتباری عمل حقوقی تعیین شده است؛ بنابراین جز در مصادیق تعیین‌شده که امکان تأویل آن‌ها به حسن‌نیّت به مفهوم الزام وجود دارد، اصطیاد و استنباط قاعده‌ای مستقل بر مبنای نمونه‌ها وجود ندارد. بر همین اساس، الزام به حسن‌نیّت در نظام حقوقی اسلام در مواردی خاص و تعیین‌شده و مادامی است که تعهد قراردادی ایجاد شده باشد؛ در نتیجه پیش از انعقاد قرارداد و در مرحله مذاکره چنین الزامی وجود ندارد (سیمایی صراف، ۱۳۹۳: ۷۰).

به نظر می‌رسد رویکرد اخیر را می‌توان نگرش غالب در فقه دانست؛ زیرا به علت وجود نمونه‌هایی در هر دو وجه استدلال، استناد صرف به آن‌ها اثبات‌کننده مدعا و قوام‌بخش آن نیست. از سوی دیگر، تردیدهای بی‌پایان درباره موضوعاتی مانند اثر سوءاستفاده از وضعیت اضطراری (عبدی‌پور، ۱۳۷۶: ۱۰۹) نشان می‌دهد حسن‌نیّت فراتر از تردیدهایی پیرامون مفهوم و گستره اعمال، به‌مثابه قاعده‌ای الزام‌آور و قابل استناد در موقعیت‌های مختلف پذیرفته نشده

محمدحسین وکیلی‌مقدم ـــــــ

دانسته شده است؛ اما بر استحباب و مراعات حال او و یا ابراء دین مدیون متوفی در حالت اعسار از جانب صاحب دین نیز تأکید شده است (حلی، ۱۴۲۳: ۱۱). مستند به آیه ۲۸۰ سوره بقره[۷۱] نیز الزام معسر به پرداخت یک‌جای دین و یا اقداماتی مانند حبس او مجاز قلمداد نمی‌شود (راوندی، ۱۴۰۵: ۳۸۱). برمبنای این آیه و احادیث مرتبط با آن «باب انظار معسر» در کتب فقهی مطرح شده است و در ذیل آن موضوعاتی مانند قلمروی ارفاق به مدیون معسر و امکان به‌کارگیری بدون اجرت او برای تسویه دین و بررسی امکان استقراض جدید از سوی او مورد تحلیل فقها قرار گرفته است (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۴؛ صدوق، ۱۴۱۳: ۵۸؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۲۷۲). از مجموع آموزه‌های قرآنی، احادیث و تحلیل‌های فقهی می‌توان دریافت در فقه اسلامی استقراض عملی ممدوح و ابزاری در راستای مددکردن و یاری به نیازمندان است. تلاش بر این بوده است که ایجاد توازن در حقوق و تکالیف میان طرفین از یک‌سو افراد توانمند به آن ترغیب شوند و از سوی دیگر، زمینه‌ای برای سوءاستفاده وام‌گیرندگان فراهم نیاید. بنابراین می‌توان گفت لزوم رعایت حسن‌نیّت با مبانی قرض در فقه اسلامی منطبق است؛ زیرا نمی‌توان عمل مبتنی بر خیرخواهی را با سوءنیّت مَشوب و آمیخته نمود. با این همه، در منابع فقهی به شکل خاص و مستقل به این بحث اشاره نشده و زمینه و امکان تحقق سوءاستفاده از این عمل حقوقی، آثار وضعی آن و راهکارهای مقابله با آن مورد بحث و تحلیل قرار نگرفته است.

به متابعت از همین رویکرد، قانون مدنی ایران نیز در فصل یازدهم از باب سوم خود تنها با پنج ماده به قرض پرداخته است. اجمال مطالب این فصل در حدی است که حتی ضوابط و الزامات مربوط به ربای قرضی را نیز موردتوجه قرار نداده و با حذف ماده ۶۵۳ [۷۲] در ۱۳۷۰/۰۸/۱۴ به علت شبهه ربوی بودن، تبیین و تحلیل موضوع به منابع فقهی واگذار شده است.

---

۷۱. وَإِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَى مَيْسَرَةٍ وَأَنْ تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

۷۲. «مقترض می‌تواند به وجه ملزمی به مقرض وکالت دهد در مدتی که قرض بر ذمهٔ او باقی است مقدار معینی از دارایی مدیون را در هر ماه یا در هر سال مجاناً به خود منتقل نماید».

محمدحسین وکیلی‌مقدم ـــــــ

مفاد این مقرره به‌خوبی با یکی از الزامات حاصل از حسن‌نیّت در انعقاد قرارداد انطباق دارد؛ زیرا چنان‌که آمد، یکی از مصادیق وام غارت‌گرانه اعطای وام باوجود احراز عدم توانایی شخص در بازپرداخت اقساط آن است. همچنین بر اساس ماده ۳۱ «قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار» بانک مرکزی ایران موظف شده است دستورالعمل ثبت الکترونیکی قراردادهای تسهیلات بانکی را تهیه و به تصویب شورای پول و اعتبار برساند. در این سامانه کلیه اطلاعات مربوط به ضمانت، ارزیابی وثایق، امهال مطالبات، اقرار به دین، تهاتر، صلح و هر نوع توافق مرتبط به تسهیلات ثبت و در دسترس گیرنده تسهیلات قرار می‌گیرد. بر اساس تبصره ۳ این ماده، کلیه اقدامات قضایی مربوط به تسهیلات مانند صدور اجرائیه و دادخواست مطالبه وجه صرفاً بر اساس اطلاعاتی خواهد بود که در این سامانه ثبت شده‌اند. این روش می‌تواند بخشی از اشکالات مربوط به پنهان‌کاری بانک و یا عدم اطلاع وام‌گیرندگان را از شرایط دریافت وام و تبعات نقض، مرتفع نماید و معادلی برای تعهد به افشای کامل اطلاعات در نظام‌های حقوقی دیگر شود.

ارزیابی اجمالی این مقررات نیز نشان می‌دهد در مقررات نظارتی مرتبط به بانک‌داری، اصل حسن‌نیّت به شکل مشخص و در قالب یک قاعده الزامی موردتوجه قرار نگرفته است. وجود برخی نمونه‌های قابل‌تطبیق و پراکنده که به نظر می‌رسد بر مبنای اقتباس موردی از مقررات سایر کشورها باشد نیز از قوت کافی برای ایجاد یک قاعده و ساختار نظام‌مند برخوردار نیست؛ به‌نحوی که با ارزیابی این مقررات نمی‌توان قائل به وجود این قاعده و ممنوعیت وام‌های غارت‌گرانه در نظام بانکی ایران شد، جز در مواردی که به شکل خاص، چنین وامی با یکی از مقررات و ضوابط قانونی معارضه داشته باشد.

۷. نتیجه‌گیری

وام غارت‌گرانه مجموعه‌ای از سازوکارها و اقدامات ناعادلانه‌ای است که نشانگر سوءنیّت وام‌دهنده و طراحی هدفمند او برای بهره‌برداری از ضعف یا نقض تعهدات وام‌گیرنده است.

محمدحسین وکیلی‌مقدم ـــــــ

۸. منابع

۸-۱) منابع فارسی

الف) کتاب‌ها

۱. بهرامی، حمید (۱۳۷۰). *سوءاستفاده از حق، مطالعه تطبیقی در حقوق اسلام و دیگر نظام‌های حقوقی*، چاپ دوم، تهران: اطلاعات.

۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۸). *حقوق تعهدات*، چاپ اول، تهران: گنج دانش.

۳. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۲). *فرهنگ عناصرشناسی*، چاپ اول، تهران: گنج دانش.

۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸٦). *الفارق*، جلد دوم، چاپ اول، تهران: گنج دانش.

۵. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۸). *وسیط در ترمینولوژی حقوق*، چاپ دوم، تهران: گنج دانش.

۶. عبدی‌پور، ابراهیم، (۱۳۷٦). *بررسی تطبیقی مفهوم و آثار اضطرار در حقوق مدنی*، چاپ اول، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.

۷. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۷). *قواعد عمومی قراردادها*، جلد سوم، چاپ پنجم، تهران: شرکت سهامی انتشار.

ب) مقالات

۸. بافهم، محمد؛ فهیمی، عزیزآله و مهدی حسن‌زاده (۱٤۰۲). «ضمانت‌اجرای ممنوعیت سوءاستفاده از حق در دادرسی مدنی ایران و فرانسه»، *پژوهش‌های حقوق تطبیقی*، دوره ۲۷، شماره ۳، صص ۱-٤۸.

۹. جعفری، علی و علی‌مراد حیدری (۱۳۹٦). «امکان‌سنجی اصطیاد قاعده فقهی حسن‌نیّت»، *فقه و مبانی حقوق اسلامی*، سال ۵۰، شماره ۲، صص ۳۲۹-۳٤٤.

۱۰. حاجی‌پور، مرتضی (۱۳۹۲). «حسن‌نیّت تکلیفی در فقه امامیه»، *فقه و حقوق اسلامی*، سال

محمدحسین وکیلی‌مقدم ـــــــ

۸-۲) منابع عربی

الف) کتاب‌ها

۱۹. حلی، حسن‌ابن‌یوسف (۱٤۲۳). *تذکره‌الفقها*، جلد سیزدهم، چاپ اول، قم: موسسه آل‌البیت لاحیاءالتراث.

۲۰. راوندی، قطب‌الدین (۱٤۰۵). *فقه‌القرآن*، جلد اول، چاپ دوم، قم: مکتب آیه‌الله مرعشی نجفی.

۲۱. صدوق، محمد ابن علی (۱٤۱۳). *من لایحضره الفقیه*، جلد دوم، چاپ دوم، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.

۲۲. طوسی، ابوجعفر (۱٤۰۷). *الخلاف*، جلد سوم، چاپ اول، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.

۲۳. کلینی، ابوجعفر (۱٤۰۷). *الکافی*، جلد چهارم، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

ب) مقالات

۲۴. عبدالله احمد، خدیجه (۲۰۲۱). «مبدأ حسن‌النیه فی المعاملات، دراسه المقارنه»، *مجله الشریعه و القانون*، شماره ۳۸، صص ٤۱۷– ٤۹۷.

۲۵. هدی، بن‌ایوب (۲۰۱۳). «مبدأ حسن النیه فی العقود»، جامعه العربی بن مهیدی، الجمهوریه الجزائریه، مذکره لنیل شهاده الماجیستر تخصص قانون العقود.

۸-۳) منابع انگلیسی

A) Books

26. Garner, Bryan (2011). *Black's Law Dictionary*, West Published, 9th Edition.

B) Articles

27. Agarwal, Sumit (2013). "Predatory Lending and the Subprime Crisis", *Fisher college of Business*, Working paper series, No. WP 2012-8.

28. Ament, Hirsh (2009). "Predatory Lending: What Will Stop It", *Journal of*

محمدحسین وکیلی‌مقدم ـــــــ

42. Hull, Nathaniel (2009). "Crossing the Line: Prime, Subprime and Predatory Lending", *Marine Law Review*, 61(1), pp. 287-318.
43. Khan, Mihammad; Bae, Jung-Han; Choi, Seok – Beom; Han, Nag-Hyeon (2019). "Good Faith Principles In Islamic Contract Law: A Comparative Study With Western Contract Law", *Journal Of International Trade & Commerce*, 15(6), pp. 143-159.
44. Kharas, Homi; Hisanobu Shishido, 1985, "Optimal Borrowing And Overborrowing: Some Simple Simulation Lessons", World Bank Group, Country Policy Department discussion paper, no. CPD 1985-58.
45. Lewis, Michelle (2003). "Perspectives on Predatory Lending: the Philadelphia Experience", *Journal of Affordable Housing and Community Development Law*, 12(4), pp. 491-520.
46. McCoy, Patricia (2005). "A Behavioral Analysis of Predatory Lending", *Arkon Law Review*, 38(4), pp. 725-740.
47. Mehkeri, Zainab (2014). "Predatory Lending: What's Race Got to do With It", *Public Interest Law Reporter*, 20(1), pp. 44-51.
48. Mullen, Daniel (2014). "To Catch a Predatory Lender", *Temple International & comparative Law Journal*, 28(1), pp. 83-114.
49. Sounders, Morgot (2018). "The Increase Predatory Lending Appropriate Remedial Actions", *North Carolina Banking Institute*, 6, pp. 111-146.
50. Stark, Debra (2005). "Unmasking the Predatory Loan in Sheep's Clothing: A Legislative Proposal", *Harvard Blackletter Law Journal*, 21, pp. 129-162.
51. Stojkovic, Marko (2016). "The Threat of Predatory Lending", *Loyola Public Interest Law Review*, 22(1), pp. 40-54.
52. Stojkovic, Marko (2017). "The Dodd-Frank Solution to Predatory Lending", *Public International Law Report*, 22(2), pp. 106-128.

C) Thesis

53. Ahmed, Nadeem Mohiuddin (2020). **"Aggressive Sales Culture in Banking Practice"**, Western Sydney University, School of Business, Thesis submitted for the partial fulfilment of the requirementsfor the degree of Master of Business Law.

محمدحسین وکیلی‌مقدم ـــــــ

66. Khazaei, Seyed Ali; Allahmoradi, Hananeh (2023). "A Critique of the Viewpoint on Accepting the Principle of Good Faith in Contract Formation in Iranian Law," *Studies in Islamic Jurisprudence and Law*, 15(30), pp. 57-80.
67. Naghibi, Abolghasem; Taghizadeh, Ebrahim; Bagheri, Abbas (2014). "The Status of Good Faith in Imami Jurisprudence," *Islamic Law*, 15(1), pp. 33-57.
68. Salehi, Esmail; Khandani, Pedram; Pahlavanzadeh, Abbas (2023). "Principles of Good Faith and Fair Dealing in Contracts in Islamic Jurisprudence and Iranian Law with a Comparative Study of European Union Law," *Studies in Economic Jurisprudence*, 15(5), pp. 2-17.
69. Sheikh-ol-Eslam Nouri, Elham; Parsapour, Mohammad Bagher; Mohammadi, Pejman (2023). "Conditions for Prohibiting Discriminatory Transactions (A Comparative Study of the Law of the United States, the European Union, and Iran)," *Comparative Law Research*, 27(1), pp. 23-54.
70. Simayie Sarraf, Hassan (2014). "A Comparative Study of Good Faith in Jurisprudence, Foreign Law, and International Instruments," *Teachings of Civil Jurisprudence*, 10, pp. 51-72.
71. Vakili Moghadam, Mohammad Hosein (2021). "A Study of the Blue Pencil Rule in Common Law and Its Comparison with Islamic Jurisprudence and Iranian Law," *Comparative Research of Islamic and Western Law*, 8(1), pp. 231-258.

[In Arabic]:

A) Books

72. Al-Hilli, Hasan ibn Yusuf (2002). *Tadhkirat al-Fuqahā'*, Vol. 13, 1st ed., Qom: Al al-Bayt Institute for the Revival of Heritage.
73. Rawandi, Qutb al-Din (1984). Fiqh al-Qur'ān, Vol. 1, 2nd ed., Qom: Maktab Ayatollah Mar'ashi Najafi.
74. Al-Saduq, Muhammad ibn Ali (1992). *Man Lā Yaḥḍuruhu al-Faqīh*, Vol. 2, 2nd ed., Qom: Publications Center of the Islamic Propagation Office.
75. Al-Tusi, Abu Ja'far (1986). *Al-Khilāf*, Vol. 3, 1st ed., Qom: Publications Center of the Islamic Propagation Office.
76. Al-Kulayni, Abu Ja'far (1986). *Al-Kāfī*, Vol. 4, 4th ed., Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyyah.

محمدحسین وکیلی‌مقدم ـــــــ